

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸
(ص ۵۷-۶۸)

توصیف گویش لاهیجانی

سپا حسن‌دخت*

چکیده

لاهیجانی یکی از گویش‌های زبان گیلکی است که خود از زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود. بیشتر ساکنان استان گیلان در بخش مرکزی لاهیجان شامل دهستان آهندان، بازکیاگوراب، لقمجان، لیالستان، و لیل، و بخش رودبنه به این گویش سخن می‌گویند. نگارنده در این مقاله بر پایه اطلاعات گویشی خود و با بهره‌گیری از برخی مآخذ به توصیف گویش لاهیجانی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: گویش لاهیجانی، زبان گیلکی، زبان‌های ایرانی شمال غربی

درآمد

لاهیجانی یکی از گویش‌های زبان گیلکی است که خود از زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود (کلباسی ۱۳۸۸: ۳۶) و گویشی است که بیشتر ساکنان استان گیلان در بخش مرکزی لاهیجان شامل دهستان آهندان، بازکیاگوراب، لقمجان، لیالستان و لیل، و بخش رودبنه به آن سخن می‌گویند. شهر لاهیجان در ۵۰ درجه و صفر دقیقه شرقی طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی عرض جغرافیایی قرار دارد و از شمال به دریای کاسپین، از شرق به لنگرود، از جنوب به دیلمان، از جنوب غربی به سیاهکل و از غرب به آستانه اشرفیه منتهی می‌شود. این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران جمعیتی بالغ بر ۱۶۸۸۲۹ نفر دارد که از این تعداد ۹۷۶۹۷ نفر در نقاط شهری و ۷۱۱۳۲ در نقاط روستایی ساکن هستند.^۱

ویژگی‌های آوایی: در گویش لاهیجانی، ۲۳ همخوان (*/p/, /b/, /t/, /d/, /k/, /g/, /ʔ/, /s/, /z/, /ʃ/, /ʒ/, /f/, /v/, /x/, /ɣ/, /h/, /m/, /n/, /y/, /l/, /r/, /č/, /j/*) واکه (*/i/*) و ۱۰ واژه (*/e/, /ē/, /ə/, /a/, /ā/, /â/, /o/, /ō/, /u/*) وجود دارد:

جدول ۱: همخوان‌های گویش لاهیجانی

همخوان	واژه	فارسی	همخوان	واژه	فارسی
<i>v</i>	<i>vərg</i>	گرگ	<i>p</i>	<i>pēr</i>	پدر
<i>x</i>	<i>xâxor</i>	خواهر	<i>b</i>	<i>bara</i>	برادر
<i>ɣ</i>	<i>ɣâtuy</i>	خورشت	<i>t</i>	<i>titi</i>	شکوفه
<i>h</i>	<i>hači</i>	آلکی	<i>d</i>	<i>dâmon</i>	جنگل
<i>m</i>	<i>mumâ</i>	قابله	<i>k</i>	<i>kâs</i>	زاغ‌چشم
<i>n</i>	<i>nâjə</i>	آرزو	<i>g</i>	<i>gab</i>	حرف

^۱ <https://www.amar.org.ir>

همخوان	واژه	فارسی	همخوان	واژه	فارسی
y	yâvar	یکک	ʔ	ʔarus	عروس
l	lam	بی حس	s	sas	بی نمک
r	râfâ	منتظر	x	zuppâ	جوانه
č	čum	چشم	š	šab	شب
ǰ	ǰul	گونه	ž	žagərâ	فریاد
f	fili	آب دهان			

جدول ۲: واژه‌های گویش لاهیجانی

واکه	واژه	فارسی	واکه	واژه	فارسی
ā	mār	مادر	i	kuli	ماهی کوچک
o	zâkon	بچه‌ها	e	ōre	آنجا
ō	kōnâ	کهنه	ē	mēn	میان
u	ayuz	گردو	ə	pillâ	بزرگ
â	tâl	سقف دهان	a	vang	گریه، ناله

کشش جبرانی، همگونی، هماهنگی واکه‌ای، تضعیف، کوتاه‌شدگی، حذف، درج، و تبدیل از عمده‌ترین فرایندهای واجی است که در این گویش رخ می‌دهد که در جدول نمونه‌هایی از هر کدام را می‌بینیم:

جدول ۳: فرایندهای آوایی گویش لاهیجانی

کشش جبرانی	«قهر» $yahr \rightarrow y\acute{a}r$
هکونی	«مانند بودن» $monestan \rightarrow monessan$
هماهنگی واکه‌ای	«لاستیک» $r\acute{a}zin \rightarrow rizin$
تضعیف	«سرخ شده» $v\acute{a}bij\acute{a} \rightarrow v\acute{a}vij\acute{a}$
کوتاه‌شدگی	«گیلان» $gil\acute{a}n \rightarrow gilon$
حذف	«تلخ» $talx \rightarrow tal$
درج	«اخ» $axm \rightarrow axam$
تبدیل	«چرک» $\check{c}ark \rightarrow \check{c}alk$

ویژگی‌های صرفی: اسم در لاهیجانی جنس و تثنيه ندارد. معرفی با ضمایر اشاره i «این» و u «آن» همراه می‌شود و نکره بودن با عدد یک، یا ترکیب یک و ta «تا» نشان داده می‌شود و در حالت جمع نیز نشانه‌ای نمی‌گیرد؛ مثال: $i liv\acute{a}son\acute{a} b\acute{a}ni \acute{o}re$ «این لباس‌ها را بگذار آتجا»؛ $y\acute{a}t\acute{a} liv\acute{a}s haytam in\acute{a} b\acute{a}$ «برایش لباسی خریده‌ام». نشانه جمع در این گویش $-on$ است، مثال: $z\acute{a}k \rightarrow z\acute{a}kon$ «بچه‌ها».

در این گویش، حالت فاعلی بی‌نشان است، اما حالت مفعولی (بی‌واسطه و باواسطه) و ملکی نشانه یکسانی می‌گیرند:

جدول ۴: حالات اسم در گویش لاهیجانی

حالت	دلالت بر	علامت
فاعلی	فاعل	\emptyset
مفعولی بی‌واسطه	مفعول مستقیم	$-\acute{a}$
مفعولی باواسطه (به‌ای)	هدف	$-\acute{a}$
اضافی	مالکیت	$-\acute{a}$

مثال:

titi-ø *bəraŋj* *dojədarə.*
 اسم خاص. مفرد. فاعلی اسم خاص. مفرد فعل. مفرد. سوم شخص. حال
 «پاک کردن»
 معنی: «تیتی برنج پاک می‌کند».

titi-ø *noruz-ə* *bəda.*
 اسم خاص. مفرد. فاعلی اسم خاص. مفرد. مفعولی فعل. مفرد. سوم شخص. «دیدن»
 معنی: «تی تی نوروز را دید».

titi-ø *bušo* *noruz-ə* *xonə.*
 اسم خاص. مفرد. فاعلی فعل. مفرد. سوم شخص. «رفتن» اسم خاص. مفرد. مفعولی
 معنی: «تی تی به خانه نوروز رفت».

فعل، دو ماده ماضی و مضارع دارد:

ماده ماضی در ساخت ماضی ساده، ماضی ثقی، ماضی بعید، ماضی در جریان، مضارع در جریان، و نیز صفت مفعولی و مصدر و... و ماده مضارع در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی، آینده، و امر به کار می‌رود. (صبوری ۱۳۹۴: ۲۰-۲۱).

در جدول زیر نمونه‌هایی از افعال با ماده ماضی و ماده مضارع نشان داده شده‌است:

جدول ۵: ماده‌های ماضی و مضارع در گویش لاهیجانی

فعل	ماده ماضی	ماده مضارع	معادل فارسی
<i>ništən</i>	<i>ništ</i>	<i>niš</i>	«نشستن»
<i>xutən</i>	<i>xut</i>	<i>xus</i>	«خواهیدن»
<i>dən</i>	<i>dē</i>	<i>in</i>	«دیدن»
<i>patan</i>	<i>pat</i>	<i>paz</i>	«پختن»

شناسه‌های فعلی نیز به قرار زیر است:

جمع			مفرد			شناسه
سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
-an	-id	-im	∅	-i	-am	

صفت در لاهیجانی مقولهٔ حالت، معرفگی و شمار ندارد و در حالت ترکیبی، پیش از اسم واقع می‌شود. صفت تفصیلی در این گویش با *-tar* نشان داده می‌شود، اما برای صفت عالی نشانه‌ای وجود ندارد و این مفهوم از ترکیب جمله درک می‌گردد. هرچند، شواهد نشان می‌دهد که امروزه «ترین» فارسی، کم‌کم در لاهیجانی در حال جافتادن است، مثال *gula datar* «دختر خوب»؛ *siyâ abron* «ابراهای سیاه»؛ *pilâ bara* «برادر بزرگ»؛ *mu ta-ji pil-* *taram* «من از تو بزرگتر هستم»؛ *hammâ-tâ-ji sartarâ* «از همه سترتر است».

صفت مفعولی از ترکیب *be-*، مادهٔ ماضی، و *-a* ساخته می‌شود، مانند *beškasa* «شکسته شده»، *boxorda* «خورده شده»، و *bemonsa* «مانده». صفت مفعولی مانند صفات دیگر، مقدّم بر اسم می‌آید (سرتیپ‌پور ۱۳۶۹: ۱۷).

صفات ملکی‌ای که پیش از اسم می‌آیند نیز به قرار زیرند:

جدول ۶: صفت ملکی در گویش لاهیجانی

صفت ملکی	
<i>mi</i>	اول شخص مفرد
<i>ti</i>	دوم شخص مفرد
<i>un-a</i>	سوم شخص مفرد
<i>ami</i>	اول شخص جمع
<i>šimi</i>	دوم شخص جمع
<i>ušon-a</i>	سوم شخص جمع

انواع ضمایر شخصی، اشاری، پرسشی، توصیفی، نامعین، قیدی، عددی و انعکاسی در لاهیجانی وجود دارد. ضمایر شخصی این گویش در جدول زیر در دو حالت فاعلی و مفعولی نشان داده شده است. برای اجتناب از تکرار، به نمونه‌هایی که در بخش نحو خواهد آمد و چگونگی استفاده و جایگاه این ضمایر را در جمله نشان می‌دهد، بسنده می‌کنیم.

جدول ۷: ضمایر فاعلی و مفعولی در گویش لاهیجانی

حالت	مفرد		جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص
فاعلی	<i>mu</i>	<i>tu</i>	<i>u</i>	<i>amə</i>	<i>šamu</i>
مفعولی	<i>ma</i>	<i>ta</i>	<i>un-ə</i>	<i>amə-rə</i>	<i>šama-rə</i>

حروف اضافه در لاهیجانی به انواع «پیش‌اضافه» و «پس‌اضافه» تقسیم می‌شوند، مثال: *zarfon miz-ə-ǰir hanna* «ظرف‌ها زیر میز هست»؛ *taksi-amara bəmam* «با تاکسی آدمم». یادآوری می‌شود که /-ə/ واج میانجی است.

در جدول زیر نیز برخی مفعول‌های با واسطه به‌همراهی پس‌اضافه‌ها نشان داده شده است:

جدول ۸: پس‌اضافه‌ها در گویش لاهیجانی

حروف اضافه	دلالت بر	علامت
مفعول با واسطه (برای)	هدف	<i>-ə-bə</i>
مفعول با واسطه (به‌خاطر)	هدف	<i>-ə-vasi</i>
مفعول مکانی (دری)	مکان	<i>-ə-me:n</i>
مفعول مکانی (ازی)	مبدأ	<i>-ə-dzi</i>
مفعول ابزاری (بایی)	وسیله	<i>-ə-amra</i>

ویژگی‌های نحوی: ترتیب کلمات در لاهیجانی فاعل، مفعول، فعل (SVO) است و این زبان برای نشان دادن روابط نحوی میان سازه‌ها در بند و جمله از نظام فاعلی-مفعولی استفاده می‌کند و ارگتیو نیست، یعنی فاعل در هر دو جمله لازم و متعدی یکسان است و نشانه‌ای نمی‌گیرد، در حالی که مفعول نشان‌دار می‌شود. این گویش از میان سه گزینه ترتیب سازه‌ها، نظام حالت، و نظام مطابقت، به دو انتخاب آخر توجه نشان داده است و نظام مطابقت فعل با فاعل جمله از نظر شخص و شمار، و نظام حالت مفعولی و اضافی، رابطه میان هسته‌ها و وابسته‌ها را مشخص می‌کند. لاهیجانی به تقسیم‌بندی معرفگی و جاننداری حساس نیست. مفعول مستقیم با نشان /ə-/ به صورت یک پس‌اضافه عمل می‌کند.

<i>titi</i>	<i>bəm-a</i>
اسم خاص. مفرد	مفرد. سوم شخص. گذشته. «آمدن»

معنی: «تی تی آمد».

<i>titi</i>	<i>noruz-ə</i>	<i>doxond-ə</i>
اسم خاص	اسم خاص. مفعولی (را)	مفرد. سوم شخص. گذشته

«صدازدن»

معنی: «تیتی نوروز را صدا زد».

<i>titi</i>	<i>livâson-ə</i>	<i>bušusta</i>
اسم خاص	اسم. جمع. مفعولی. اسم خاص	مفرد. سوم شخص. گذشته

«شستن»

معنی: «تی تی لباس‌ها را شست».

از نظر ساختاری، جملات در لاهیجانی می‌توانند ساده و تنها از یک محمول تشکیل شده باشند، زیرا لاهیجانی ضمیرانداز است؛ به این معنا که فاعل جمله می‌تواند حذف شود چون از طریق شناسه فعل، شخص و شمار آن شناسایی می‌شود؛ اما جملات ساده عموماً از یک محمول و موضوع یا موضوعاتش تشکیل می‌شوند؛ مثال: *furšani?* «می‌فروشی؟»؛ *nānam* «من

نی‌آیم»؛ *ine nomə bənan bumāni* «نامش را بمانی گذاشتند»؛ *mu ta dus danam* «من تو را دوست دارم».

در جملات مرکب هم‌پایه از *və* «و»، *ham* «هم»، *-amma* «اما»، *bəlki* «بلکه»، *vəillā* «والا»، *vəgərnə* «وگرنه» و ساختارهایی مانند *-əm...-əm* «هم...هم»، ... *gāhi* «گاهی... گاهی»، *nə...nə* «نه... نه»، *yā...yā* «یا... یا» استفاده می‌شود (Rastorgueva 2012: 210-211)؛ مثال: *tu hay dani amma xa inə bāla gitan* «تو حق داری، اما باید به او کمک کرد»؛ *ti garmə ja ništi hama farmon dādari* «بر جای گرمت نشستهای و به همه دستور می‌دهی».

در جملات مرکب ناهم‌پایه، حروف ربطی که نمونه‌هایی از آن در جدول زیر آمده‌است، ارتباط میان بند هسته و بند وابسته را نشان می‌دهند (Rastorgueva 2012: 210-211):

جدول ۹: حروف ربط در جملات مرکب گویش لاهیجانی

کاربرد	حرف ربط
در انواع بند و نقل قول	<i>ki</i>
نشان‌دهنده هدف و زمان	<i>tā</i>
در بندهای وابسته مربوط به زمان	<i>vəxti, vəxti ki, har vəxti ki</i>
بندهای وابسته و بندهای شرطی	<i>agər, har yəd</i>
هدف	<i>čun, čunki</i>
زمان و بندهای مقایسه‌ای	<i>uto ki</i>
بندهای وابسته علی و معلولی	<i>unə-vasi</i>
بندهای تصدیقی	<i>agər čī, har čī</i>

mu ērə isanam tā tu beši ti nonə hagiri.

«من این‌جا می‌ایستم تا تو بروی نانت را بگیری».

unam bušo besaz bufruš bobo, uto ki inə pər bu.

«او هم رفت بسازبفروش شد، همان طور که پدرش بود».

harči inə sedā budim naštosə

«هرچه صدایش کردم، نشنید».

در گویش لاهیجانی یک ساخت غیرشخصی نیز وجود دارد. ساخت غیرشخصی به ساختی گفته می‌شود که در آن تطابق فعل و فاعل دیده نمی‌شود و شناسه فعلی همواره برای همه ساخت‌های تصریفی سوم شخص مفرد است. این ساخت با برخی افعال حتی مانند میل داشتن، خوش آمدن، گرسنه بودن، تشنه بودن، و خواب گرفتن می‌آید (درزی ۱۳۸۳: ۲۳). مثال زیر، فعل *vasten* «میل داشتن» را در حالت‌های مختلف تصریفی نشان می‌دهد:

جدول ۱۰: ساخت غیرشخصی در گویش لاهیجانی

جمع			مفرد			فعل
سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
<i>ušon-ə</i> <i>vānə</i>	<i>šama-rə</i> <i>vānə</i>	<i>amə-rə</i> <i>vānə</i>	<i>un-ə</i> <i>vānə</i>	<i>ta</i> <i>vānə</i>	<i>ma</i> <i>vānə</i>	<i>vasten</i>

یکی دیگر از ویژگی‌های گویش لاهیجانی، وجود یک نوع فعل گذشته است که نمود کامل تجربی نامیده می‌شود و بر این مسئله تأکید دارد که آن فعل دست‌کم یک‌بار در گذشته انجام شده‌است. دو نمونه زیر، با معادل تحت‌اللفظی فارسی، تفاوت این دو نوع گذشته را نشان می‌دهد: نمونه نخست نمود کامل تجربی دارد و متشکل از «ب + بن ماضی (+ ه)» به همراه ماضی ساده فعل «داشتن» است:

mu *i* *râ* *bušo* *dâštam*
شا این راه رفته «داشتن» جمع. حال.

معنی: «من این راه را رفته داشتم».

mu *i* *râ* *bušo* *bum*
شا این راه رفته «بودن» جمع. حال.

معنی: «من این راه را رفته بودم».

واژگان: در جدول زیر، نمونه‌ای از واژگان و اصطلاحات، و ضرب‌الثل‌های گویش لاهیجانی آورده شده‌است (اطلاعات گویشی نویسنده؛ پاینده ۱۳۷۵؛ ستوده ۱۳۳۲):

جدول ۱۱: نمونه‌ای از واژگان و اصطلاحات گویش لاهیجانی

برابر فارسی	گیلکی
دختر	<i>laku</i>
شالیزار	<i>biĵâr</i>
از یاد بردن	<i>yadâšon</i>
هوا که خوب باشد، حال آدم هم خوب است.	<i>havâ xuši, dil xuši.</i>
سقف خانه سفال چین چکه می‌کند.	<i>sufâl dačînâ xônâ ow čakâ kônâ.</i>
تخم را آنجا می‌گذارد، سروصدایش را این‌جا می‌کند.	<i>moryonâ ôrâ kônâ, kat katâzâ êrâ.</i>

کتابنامه

پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۵)، فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

درزی، علی/دانای‌طوسی، مریم (۱۳۸۳)، «ساخت غیرشخصی در گویش گیلکی شهرستان لاهیجان»، گویش‌شناسی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان)، دوره ۱، شم ۲ (پیاپی ۲): ۱۷-۳۶.

درگاه ملی آمار ایران ← <https://www.amar.org.ir>

ستوده، منوچهر (۱۳۳۲)، فرهنگ گیلکی، تهران: نشریه انجمن ایران‌شناسی، تهران.

سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۶۹)، ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی، رشت: نشر گیلکان.

صبوری، نرجس بانو/روشن، بلقیس (۱۳۹۴)، فعل‌های گیلکی، بررسی تطبیقی و ریشه‌شناختی گونه‌های گویشی شرق گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا.

کلباسی، ایران (۱۳۸۸)، فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Rastorgueva, V. S. et al. (2012), *The Gilaki Language*, R. M. Lockwood (English translation editing and expanded content), Uppsala University.

Discription of *Lâhijâni* Dialect

Sima Hassandokht
Shahid Beheshti University

Abstract

Lâhijâni is one of the dialects of *Gilaki* language which is one of the Northwestern Iranian languages. Most residents of Gilan province in the central part of *Lâhijân*, including *Ahandân* rural district, *Bâzkiyâgurâb*, *Lafmejân*, *Layâlestân*, and *Lil*, and *Rudboneh* district, speak this dialect. In this paper, the author describes the *Lâhijâni* dialect using his dialectical information and referring to some resources.

Keywords: *Lâhijâni Dialect, Gilaki Language, Northwestern Iranian Languages*